



نویسنده : اف ام شاکیل (F.M.Shakil)

[28] منبع و تاریخ نشر : کریدل «2023-02-24»
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

در رویارویی آمریکا و چین، غرب آسیا سرفرود خواهد آورد

in a US-China confrontation, West Asia will bow out

افزایش قابل توجه روابط ژئوپلیتیکی و اقتصادی با چین به کشورهای غرب آسیا جایگزینی برای ایالات متحده ارائه کرده است که به طور سنتی ضامن امنیت منطقه بوده است.

A significant increase in geopolitical and economic ties with China has offered West Asian states an alternative to the US, which has traditionally been the region's security guarantor.



عکاسی کریدل

چشم انداز جنگ آمریکا و چین وارد عرصه واقعیت شده است. افزایش تحریکات مقامات نظامی و سیاسی ایالات متحده در مورد وضعیت تایوان - که چین آن را بخشی از قلمرو تاریخی خود می داند - احتمال رویارویی را در سال های اخیر افزایش داده است.

با توجه به اینکه تنها 13 کشور از 193 کشور عضو سازمان ملل، دولت تایپه (Taipei) را به عنوان یک نهاد جداگانه به رسمیت می شناسند، واکنش جامعه جهانی به حمله به رهبری واشنگتن بر سر وضعیت تایوان بسیار نامشخص است.

امروز، واکنش استراتژیک غرب آسیای به یک درگیری فرضی بین دو ابرقدرت قابل قبول است. با این حال، با توجه به عدم تمایل منطقه به جانبداری در رویارویی روسیه و ایالات متحده، احتمالاً در صورت بروز درگیری ایالات متحده و چین نیز در انجام این کار تردید خواهند داشت.

در یادداشتی که در 27 ژانویه منتشر شد، **ژنرال مایک مینیهان**، رئیس فرماندهی تحرک هوایی، نوشت: "گریزه من به من می گوید که در سال 2025 خواهیم جنگید." دیدگاه **ژنرال مینیهان** با بیانیه وزیر دفاع ملی تایوان **چیو کو-چنگ** در سال 2021 که **چین** قادر خواهد بود تا همان سال به **تایوان** حمله کند، همسو است.

در واکنش به اظهارات **ژنرال مینیهان**، **مایک مک کال**، رئیس کمیته روابط خارجی نمایندگان مجلس نمایندگان آمریکا به فاکس نیوز گفت: "امیدوارم او اشتباه کرده باشد، اما معتقدم که او درست می گوید." **میچ مک کانل**، رهبر اکثریت سنای ایالات متحده، در 29 ژانویه گفت: "احتمال درگیری در رابطه با **چین** بر سر **تایوان** بسیار زیاد است."

هوای گرم زیاد

چند روز پس از هشدار ژنرال آمریکایی مبنی بر اینکه واشنگتن ممکن است در دو سال آینده وارد نبرد با پکن شود، تنش ها بین دو کشور با حادثه **بالون** جا سوسی چینی تشدید شد.

به گفته برخی از جمهوری خواهان ارشد و رهبران نظامی ایالات متحده، نگرانی فزاینده ای وجود دارد که یک درگیری تمام عیار بین دو ابرقدرت قریب الوقوع است و منطقه آسیا-اقیانوسیه (AP) و جنوب آسیا (SA) احتمالاً صحنه های اصلی این دو ابرقدرت خواهند بود. **درگیری جان اچکزی**، تحلیلگر ژئوپلیتیک و مشاور سابق دولت بلوچستان پاکستان، به The Cradle می گوید:

وی افزود: «احتمال وقوع جنگ بین ایالات متحده و چین، همه را در معرض خطر قرار می دهد، به ویژه مناطقی که به طور پیچیده با ایالات متحده یا **چین** مرتبط هستند. برخی از کشورها مجبور خواهند شد بین اتحاد با آمریکا در صورت جنگ یا حفظ وضعیت موجود برای کاهش احتمال خصومت یکی را انتخاب کنند.

دخالت روسیه در غرب آسیا

با وجود روابط تجاری و ژئوپلیتیک اسمی با مسکو، کشورهای غرب آسیا از موضع واشنگتن در درگیری بین روسیه و اوکراین حمایت نکردند. با این حال، حق وتوی روسیه در شورای امنیت

سازمان ملل تأثیر مثبتی بر روابط این کشور با کشورهای منطقه دارد، به ویژه به دلیل توانایی آن در جلوگیری از سیاست های توسعه طلبانه و ضد عربی سایر اعضای دائمی این شورا.

امنیت و تجارت دو ستون اصلی روابط بین مسکو و غرب آسیا هستند و تصویر **ولادیمیر پوتین** رئیس جمهور روسیه نقش مهمی در شکل دادن به این روابط ایفا کرده است. امارات متحده عربی به عنوان یک مرکز مالی بزرگ برای روسیه عمل می کند و مسکو ممکن است تلاش کند تا از نفوذ خود در منطقه استفاده کند تا از امارات بخواهد در محدودیت های بانکی اعمال شده توسط ایالات متحده تجدید نظر کند، اگر احساس کند که منافعی در خطر است. علاوه بر این، الجزایر، تونس، لیبی، لبنان و مصر از جمله کشورهای هستند که گندم را از روسیه خریداری می کنند که این امر باعث استحکام بیشتر روابط اقتصادی روسیه و جهان عرب می شود.

علاوه بر این، از زمان پیوستن به سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک پلاس) در سال «2016»، روسیه و عربستان سعودی از نزدیک برای تنظیم تولید و تعدیل قیمت نفت به عنوان بخشی از توافق های اوپک پلاس همکاری کرده اند.

تصویر عمومی **پوتین** تا حدی به افزایش حمایت از روسیه در پادشاهی کمک کرده است. در سال 2018، زمانی که **ریاض** به دلیل قتل **جمال خاشقجی** روزنامه نگار سازمان دهی شده توسط عربستان سعودی با انتقادهای بین المللی مواجه شد، رئیس جمهور روسیه با تهمت زدن و پوزخند به **محمد بن سلمان** ولیعهد منزوی عربستان در جریان نشست گروه 20 در آرژانتین خبرساز شد.

به همین ترتیب، نقش برجسته او در خنثی کردن جنگ نیابتی **نا تو** در سوریه - یک تغییر دهنده بازی ژئوپلیتیکی که احتمالاً چند قطبی جهانی را آغاز کرد - طرفداران **پوتین** را در سراسر منطقه ای که مدت ها از طرح های امپریالیستی غربی رنج می برد به دست آورده است.

غرب آسیا کجا خواهد بود؟

اگرچه هنوز یک سناریوی فرضی است، اما باید در نظر گرفت که غرب آسیا چگونه به درگیری مستقیم ایالات متحده و چین پاسخ خواهد داد. بسیاری از تحلیلگران برجسته ژئوپلیتیک حدس می زنند که اگر غرب آسیا و به ویژه کشورهای عربی حامی ایالات متحده در خلیج فارس، خط آمریکا را در برابر روسیه که شریک تجاری منطقه ای بسیار کوچکتر از **چین** است، رعایت نکنند، وفاداری آن به واشنگتن در یک موقعیت بالقوه خواهد بود. رویارویی آمریکا و چین ممکن است بیشتر متشنج شود.

در مقایسه با روسیه، چین سرمایه گذاری های قابل توجهی در سراسر غرب آسیا دارد. در سال 2021، تجارت دوجانبه بین پکن و منطقه بالغ بر 330 میلیارد دلار بود که تقریباً 50 درصد انرژی چین از خلیج فارس سرشار از انرژی تامین می شد. چین به تنهایی بیش از 200 میلیارد دلار تجارت با عربستان سعودی و امارات انجام داده است. از سال 2005 تا 2021، پکن 43.47 میلیارد دلار در عربستان سعودی، 36.16 میلیارد دلار در امارات، 30.05 میلیارد دلار در عراق، 11.75 میلیارد دلار در کویت، 7.8 میلیارد دلار در قطر، 6.62 میلیارد دلار در عمان و 1.4 میلیارد دلار در بحرین سرمایه گذاری کرده است.

چین علاوه بر سرمایه گذاری در تجارت و انرژی، مبالغ هنگفتی را نیز در پروژه های توسعه فناوری پیشرفته و زیرساخت های غرب آسیا و شمال آفریقا از طریق طرح چند تریلیون دلاری کمربند و جاده (BRI) سرمایه گذاری کرده است.

پکن با عربستان سعودی، اما رات متحده عربی، الجزایر، مصر و ایران قراردادهای همکاری راهبردی منعقد کرده است و در مجموع 21 کشور عربی را در تلاش بلندپروازانه و یک دهه خود برای احیای جاده تاریخی ابریشم و صادرات کالاهای خود به بازارها به خدمت گرفته است. در سراسر اروپا و آفریقا در حال حاضر، زیرساخت‌های توسعه یافته توسط کشورهای حوزه خلیج فارس به عنوان نقطه ترانزیت دو سوم صادرات چین به این قاره‌ها عمل می‌کند.

مصر یک مرکز مهم برای BRI است، با منطقه توسعه اقتصادی- فناوری در منطقه اقتصادی کانال سوئز مصر، در نزدیکی عین سخن، که یکی از پروژه‌های بزرگی است که دو کشور برای آن قراردادهایی به ارزش 18 میلیارد دلار در سال 2018 امضا کردند. عراق، سومین تامین کننده بزرگ نفت چین پس از عربستان سعودی و روسیه، نیز 10.5 میلیارد دلار از پکن برای پروژه های انرژی مرتبط با BRI دریافت کرده است و همین هفته موافقت کرد که مبادلات دلاری خود را با پکن در ازای یوان چین جایگزین کند.

در غرب آسیا، ایالات متحده بعد از پکن کمانچه دوم را بازی می کند

همکاری چین با غرب آسیا و شمال آفریقا به تجارت و اقتصاد محدود نمی شود. پکن همچنین تجهیزات دفاعی را در اختیار چندین کشور عرب قرار می دهد. از سال 2019، چین و عربستان سعودی طبق گزارش ها در زمینه تولید موشک های بالستیک با یکدیگر همکاری کرده اند و چین نیز سامانه دفاع هوایی HQ-17AE خود را به عربستان می فروشد.

پهپادهای چینی **وینگ لونگ** توسط امارات خریداری شده و عراق نیز پهپادهای CH-4B را سفارش داده است. اردن هواپیماهای CH-4B را در سال 2016 خریداری کرد، در حالی که الجزایر - CH-5s نسل بعدی نوع - CH-4B را برای گسترش قابلیت های هوانوردی خود در سال 2022 خریداری کرد. مشارکت برای ساخت کارخانه پهپاد برای تولید پهپادهای محلی.

در حالی که روابط دولت جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا با ریاض به دلیل اختلاف نظر در مورد حقوق بشر و سیاست انرژی تیره شده است، چین در حال برداشتن گام های مهمی در تقویت روابط خود با این کشور است.

با نزدیک تر شدن پکن به عربستان سعودی، پیام ریاض به واشنگتن مبهم است: «مردم خاورمیانه [آسیای غربی] از دخالت کشورهای دیگر خسته شده اند، زیرا همیشه با مشکلاتی همراه هستند». «شی جین پینگ، رئیس جمهور چین در دسامبر گذشته در ریاض مورد استقبال سلطنتی قرار گرفت که نشان دهنده تغییر لرزه‌ای در روابط **چین** و اعراب و تقویت وجهه **چین** در سراسر جهان عرب است. در مقابل، سفر جو بایدن، رئیس جمهور ایالات متحده به جدّه در تابستان 2022 با استقبال گرمی مواجه شد. این ممکن است حاکی از آن باشد که تغییر مجدد اتحادهای ژئوپلیتیکی غرب آسیا ممکن است در افق باشد.

علیرغم این روندها، تحلیلگر اچکزی به The Cradle می گوید که غرب آسیا رفتاری مشابه در زمان درگیری روسیه و اوکراین خواهد داشت - حتی با توجه به افزایش حضور تجاری و نظامی چین در منطقه. و کاهش کنترل ایالات متحده بر پادشاهی های نفت خیز عرب.

بسته به شرایط کنونی، انگیزه های کشورهای مختلف منطقه ممکن است تغییر کند و به دو گروه متمایز تقسیم شود: آن هایی که از آمریکاجامایت می کنند و آن هایی که از موضع بی طرف حمایت می کنند.

چین به اقتصاد بیش از جنگ ارزش می دهد

در منطقه آسیا و اقیانوسیه، ایالات متحده و متحدانش در رابطه با **چین** در رابطه با مرزهای دریایی، تجارت بین‌المللی، حقوق بشر و مسائل امنیتی استراتژیک درگیر هستند. علیرغم امضای پیمان‌های امنیتی متعدد با بازیگران منطقه، به نظر می‌رسد چین ایجاد و تقویت روابط اقتصادی را بر همکاری نظامی با کشورهای آسیایی-اقیانوسیه اولویت دارد.

به دلیل سابقه رویارویی‌های خصمانه و اهداف متفاوت ژئوپلیتیکی، هم آمریکا و هم **چین** به دنبال افزایش حضور نظامی خود در منطقه هستند. در پاسخ به ادعاهای ارضی **چین** در دریای **چین** جنوبی، ایالات متحده ردپای نظامی خود را با امضای قراردادهای تجاری و دفاعی با منطقه آسیا و اقیانوسیه گسترش داده است.

این دو کشور همچنین بر سر شراکت ترانس پاسیفیک (TPP) که بسیاری آن را تلاشی برای مهار نفوذ اقتصادی و استراتژیک **چین** در حیاط خلوت خود می‌دانستند، دچار اختلاف شده‌اند. علاوه بر این، تنش‌ها بین پکن و همسایگانش، به ویژه بر سر اختلافات ارضی در دریای چین شرقی و جنوبی تشدید شده است.

این تلاش‌ها توسط گفت‌وگوی چهارجانبه امنیتی چهارجانبه (Quad)، که یک گفتگوی راهبردی غیررسمی بین ایالات متحده، هند، ژاپن و استرالیا است که به دنبال «ترویج یک منطقه آزاد، باز و مرفه هند و اقیانوسیه» است، تقویت شده است. " به گفته اچکزی :

کشورهایی مانند ژاپن، کره جنوبی و استرالیا که قراردادهای دفاعی گسترده‌ای با آمریکا دارند، به احتمال زیاد به آمریکا کمک خواهند کرد. این کشورها که مدت‌ها از ارتباطات نزدیک خود با ایالات متحده سود برده‌اند، اکنون باید با جاه‌طلبی‌های سرزمینی **چین** در منطقه و دریای **چین** جنوبی مبارزه کنند. کشورهایی که شراکت امنیتی غیررسمی با ایالات متحده دارند، مانند فیلیپین، احتمالاً در یک رویارویی از ایالات متحده حمایت خواهند کرد.

این تحلیلگر توضیح داد که انتظار می‌رود سنگاپور، تایلند و مالزی به دلیل روابط قوی تجاری و سرمایه‌گذاری با چین، در طول درگیری بی‌طرف بمانند.

در صورتی که چین درگیری را آغاز کند، کشورهای دیگر در منطقه آسیا و اقیانوسیه ممکن است احساس کنند که موظف به حمایت از ایالات متحده هستند. این ممکن است در مورد کشورهای مانند اندونزی و ویتنام که اخیراً تحت فشار **چین** بوده‌اند و ممکن است لازم باشد طرفی را برای محافظت از امنیت خود انتخاب کنند، صدق کند.

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله:

M. شکیل نویسنده پاکستانی است که موضوعات سیاسی، زیست‌محیطی و اقتصادی را پوشش می‌دهد و به طور منظم در اخبار العان در دبی و آسیا تایمز در هنگ کنگ مشارکت می‌کند. او به طور گسترده در مورد روابط استراتژیک چین و پاکستان، به ویژه طرح تریلیون دلاری کمر بند و جاده پکن (BRI) می‌نویسد.

----- **با تقدیم احترامات** «2023-02-27»

